

سوال

ما گروهی از مسلمانان هستیم که گفتگویی میانمان درگرفت و تلاش کردیم در آن به تعریفی برای «محبت» در اسلام برسیم. با اینکه همه ما ضرورت محبت الله سبحانه و تعالی و التزاممان به دوست داشتن او و انبیا و رسولانش را کاملاً درک می‌کنیم، اما این سؤال برایمان پیش آمد که آیا چارچوب روشنی برای محبت میان انسان‌ها وجود دارد؟ (مانند «محبت برادرانه» در مسیحیت و نه از نوع رمانتیک). برخی گفتند که «محبت» تنها در چارچوب خانواده وجود دارد و هر چیز غیر از آن، تنها احترام و دوستی و امثال آن است. برخی دیگر پرسیدند که آیا محبت تنها به همسر و فرزندان محدود می‌شود؟ عده‌ای هم پرسیدند که آیا محبت می‌تواند مشروط باشد یا خیر؟ و نظر دیگری می‌گوید که «محبت» (به معنای رایج) تنها یک «بدعت» است که بر پایه داستان‌های خیالی و فلسفه مسیحی بنا شده است. بسیاری از ما در منابع مختلف جستجو کردیم تا به پاسخی برسیم، اما تاکنون پاسخ قاطعی نیافته‌ایم. آیا می‌توانید به ما کمک کنید؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

خواهر گرامی پرسشگر السلام علیک و رحمة الله و برکاته

بسیار مایه خرسندی و آرامش خاطر است که شما و خواهرانتان به بررسی و مطالعه امور ایمان و اسلام می‌پردازید و از جمله آن، بحث و گفتگویتان درباره مسئله محبت است. شکی نیست که شما و خواهرانتان اهمیت سخن علما در حل اختلافات و اهمیت مراجعه به کلام آنان در فهم مسائل شرعی را درک می‌کنید. ما در اینجا بخشی از سخنان آنان را در باب انواع محبت و اقسام آن برایتان نقل می‌کنیم تا ان شاء الله قضیه برایتان روشن شود.

انواع محبت و احکام آن

محبت به دو دسته «محبت خاص» و «محبت مشترک» تقسیم می‌شود. و محبت خاص خود به «محبت شرعی» و «محبت حرام» تقسیم می‌گردد.

اقسام محبت شرعی:

۱- محبت الله: حکم آن این است که از واجب‌ترین واجبات است؛ زیرا محبت او سبحانه، اصل دین اسلام است و با کمال

آن، ایمان کامل می‌شود و با نقصِ آن، توحید دچار نقص می‌گردد. دلیل آن، این فرمودهٔ الله تعالی است: **وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ [البقرة: ۱۶۵]** (و[لی] کسانی که ایمان آورده‌اند، محبتشان به الله شدیدتر است)، و فرمودهٔ او: **قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ [التوبة: ۲۴]** (بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیم دارید و خانه‌هایی که به آن خوشدلید، نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر باشید تا الله فرمانش را [به اجرا] درآورد و الله گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند). و دلایل دیگر در قرآن و سنت. این محبت در ترجیح دادن آنچه الله از بنده دوست دارد و اراده می‌کند، بر آنچه خود بنده دوست دارد و می‌خواهد، نمود می‌یابد. پس آنچه را خدا دوست دارد، دوست می‌دارد و آنچه را خدا دشمن می‌دارد، دشمن می‌دارد، و در راه او دوستی و دشمنی می‌ورزد و به شریعت او پایبند است. اسبابی که موجب این محبت می‌شود، بسیار است.

۲- محبت پیامبر: این محبت نیز از واجبات دین است، بلکه کمال ایمان حاصل نمی‌شود مگر آنکه انسان رسول الله را بیشتر از خودش دوست داشته باشد. چنانکه در حدیث آمده است: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «هیچ‌یک از شما ایمان نمی‌آورد مگر آنکه من نزد او از فرزندش، پدرش و تمام مردم محبوب‌تر باشم». این حدیث را مسلم (شماره ۴۴) روایت کرده است. و حدیث عبدالله بن هشام که گفت: با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بودیم و ایشان دست عمر بن خطاب را گرفته بودند. عمر به ایشان گفت: ای رسول خدا، به راستی که شما نزد من از هر چیزی محبوب‌ترید، مگر از جانِ خودم. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «نه، قسم به آنکه جانم در دست اوست، تا زمانی که من نزد تو از جانِ خودت محبوب‌تر باشم». پس عمر به ایشان گفت: به خدا سوگند اکنون شما نزد من از جانِ خودم محبوب‌ترید. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «اکنون [ایمانت کامل شد] ای عمر». این حدیث را بخاری (فتح، شماره ۶۶۳۲) روایت کرده است. این محبت، تابع محبت الله تعالی است و در پیروی از ایشان - صلی الله علیه وسلم - و مقدم داشتن سخن ایشان بر سخن دیگران نمود می‌یابد.

۳- محبت انبیا و مؤمنان: حکم آن واجب است؛ زیرا محبت الله تعالی مستلزم دوست داشتن اهل طاعت اوست، و آنان همان انبیا و صالحان هستند. دلیل آن، فرمودهٔ ایشان - علیه السلام - است که: «هر کس در راه خدا دوست بدارد...» یعنی اهل ایمان به خدا و طاعت او را به همین خاطر دوست بدارد. و ایمان نیز جز با این محبت کامل نمی‌شود، هرچند نماز و روزهٔ شخص زیاد باشد. چنانکه عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: «ما خود را در زمان رسول الله دیدیم و هیچ‌یک از ما خود را به دینار و درهمش سزاوارتر از برادر مسلمانش نمی‌دانست».

محبت حرام:

بخشی از آن شرک است: و آن این است که انسان چیزی را غیر از خدا، همان‌گونه دوست بدارد که خدا را دوست می‌دارد.

چنین کسی [برای خدا] شریک و هم‌تا قرار داده است و این «شرک محبت» است. و بیشتر اهل زمین در محبت و تعظیم، [برای خدا] هم‌تایانی گرفته‌اند.

بخشی از آن نیز حرام است اما شرک نیست: و آن این است که انسان خانواده، مال، خاندان، تجارت یا مسکن خود را دوست بدارد و آنها (یا برخی از آنها) را بر انجام اعمالی که خداوند بر او واجب کرده است – مانند هجرت و جهاد و امثال آن – ترجیح دهد. دلیل آن فرموده الله تعالی است: **قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ** [التوبة: ۲۴] (بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیم دارید و خانه‌هایی که به آن خوشدلید، نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر باشید تا الله فرمانش را [به اجرا] درآورد و الله گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند).

آنچه گذشت، «محبت خاص» با اقسام آن بود.

اما محبت مشترک، سه نوع است:

اول: محبت طبیعی: مانند محبت گرسنه به غذا و تشنه به آب. این محبت مستلزم تعظیم نیست، پس مباح است.

دوم: محبت از روی رحمت و شفقت: مانند محبت پدر به فرزند خردسالش. این محبت نیز مستلزم تعظیم نیست و هیچ اشکالی در آن وجود ندارد.

سوم: محبت انس و الفت: مانند محبت کسانی که در صنعت، علم، همراهی، تجارت یا سفر با یکدیگر مشترک هستند. اینها انواعی از محبت است که میان مردم با یکدیگر شایسته و بجاست، و مانند محبت برادران [ایمانی] نسبت به یکدیگر. وجود این نوع محبت در میان آنان، شرکی در محبت الله تعالی محسوب نمی‌شود.

از منابع این موضوع: کتاب «تیسیر العزیز الحمید»، باب «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا».

امیدواریم با این تقسیم‌بندی و شرح، مسئله برایتان روشن شده باشد. از خداوند متعال می‌خواهیم که ما و شما را برای هر خیری توفیق دهد. و صلی الله علی نبینا محمد.